

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سرتن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم «اسیر»

صورتپرست

ای عمر رفته! باز نیایی به دست من
زین پس هرآنچه هست سر و برگ نیستیست
تصویر محو گشته در آئینه خودم
شصت و شکست آمد و تار نفس گسست
گردون به مدعای دل من، به من نساخت
با همت بلند به او پنجه می دهم
آن دوره یاد باد که بی چشم مست او
داد ای سپهر دون که در آئینه پروری
یک بوسه از لب تو کند دفع صد خمار
چون مرغ دام دیده پریدی ز شست من
ای دل مخور فریب ازین خیز و جست من
این است مزد دیده صورت پرست من
جز رشته ضعیف، نماده به شست من
کاری به من نکرد به غیر از شکست من
بود این چنین نصیب ز روز الست من
صدها خُم شراب، نمی کرد مست من
آئینه شکسته سپردی به دست من
این است آرزوی لب می پرست من

از هستی ام «اسیر» چه میخواست روزگار

صد بار بهتر آنکه، نمی کرد هست من

(فرانکفورت، فبروری 2004 م)